

## سخن سردبیر

در کنار بسیاری از همکاران آینه میراث که شیوه بررسی و ویرایش تحریریه این مجله را پسندیده و آن را موجب ارتقاء کیفیت مقالات خود دانسته‌اند، معدودی بر ما خُرده گرفته‌اند که گویا در مقالات آنها بیش از اندازه دخل و تصرف می‌شود. برعکس کسانی که برای بالا بردن کیفیت صوری و محتوایی مقاله خود از هر پیشنهاد اصلاحی دیگران استقبال می‌کنند، این دوستان همکار جور دیگری فکر می‌کنند. لب نظرات آنها در قالب جملات زیر به اینجانب ابلاغ شده است:

«ویراستار، جز در وقت لزوم، مجاز به تغییر بافت متن و ارتفاع و صعود آن و بهتر و قوی‌تر کردن زبان متن نیست، به گونه‌ای که نویسنده را بالاتر از آنچه واقعاً هست عرضه کند و فقط مجاز است خطاهای دستوری، زبانی، فرمی و معنایی را اصلاح کند».

نخستین بخش از پیشنهاد بالا که کار را مشکل می‌کند همان عبارت «جز در وقت لزوم» است که ویراستار را بلا تکلیف و مردّد می‌گذارد. حدّ این لزوم کجاست؟ مفهوم «لزوم» امری است نسبی و اعتباری که، تجربه نشان می‌دهد، مرز ثابت و مشخصی ندارد و می‌تواند به نظر افراد مختلف و در جاهای مختلف فرق کند. اگر حکم مطلق بود کار آسان‌تر می‌بود. پای نسبتی که به میان می‌آید، مرزهای «لزوم»، سیال و فراخ و تنگ می‌شود. احتمالاً دوستان معترض خواهند گفت که حدود و ثغور این لزوم در آخرین جمله

تعیین شده است: اصلاح «خطاهای دستوری، زبانی، فُرمی و معنایی». مع‌ذلک، در اینجا نیز با مشکل نسبیت روبه‌رویم. چه اجزایی از مقاله را باید از این جهات خطا به شمار آورد؟ فرض را بر این می‌گذاریم که ویراستار، در چهارچوب همین حدود پیشنهادی (که خوشبختانه بسیار سخاوتمندانه است)، مقاله را اصلاح کرد؛ آیا این باعث «ارتفاع و صعود و بهتر و قوی‌تر شدن زبان متن»، و ناقض بخش دیگر نظرات بالا نمی‌شود؟ اگر این «اصلاح»، کیفیت مقاله را بالا نبرد، پس نقش آن چیست؟ چرا اصلاً ویراستار به خود زحمت این کار بی‌ثمر را بدهد؟ و اصلاً چرا برای مجله ویراستار تعیین می‌شود؟ حال، آیا اگر کیفیت مقاله ارتقاء یافت و، در نتیجه، نویسنده آن بهتر از آنچه هست عرضه شد، به کجا ضرر می‌رسد؟ پس، چگونه نویسنده به معایب و نواقص کارش پی ببرد، و در مقالات بعدی خود آنها را تکرار نکند؟ اگر نویسنده خود را گُل بی‌خار و در حد کمال بداند، داستان دیگری است. ارباب خرد و بصیرت هیچ‌گاه خود را کامل نمی‌دانند و همواره خواهان شنیدن تذکرات و تجارب دیگرانند. ما در سرآغاز شماره ۵۶ آینه میراث (بهار و تابستان ۱۳۹۴) به قدر کافی در این باب حرف زده‌ایم؛ از دوستان معترض درخواست می‌شود، به آن گفته‌ها عنایتی بکنند. واقعیت این است که زدودن مقاله از معایب و نواقص دستوری و معنایی، لزوماً به قصد قوی‌تر نشان دادن نویسنده آن نیست؛ مقصود اصلی عرضه نوشته‌ای حتی‌المقدور دقیق‌تر، پاکیزه‌تر و خوش‌ساخت‌تر به خوانندگان آن مقاله است. تا مقاله از زیر دست نویسنده خارج نشده، ملک طلق اوست و او صاحب اختیار مطلق آن است؛ می‌تواند حاوی هر رطب و یابس، ابتکار و انتحال و ضعف و قوتی باشد؛ اما به دفتر مجله که رسید، وضع فرق می‌کند. از آن زمان به بعد مسؤلیت مقاله تا حدی به گردن مجله نیز خواهد بود. در این‌که مجله، طبق موازین اخلاق علمی، مسؤل مقاله و مؤلف آن است حرفی نیست، لیکن در برابر خوانندگان نیز مجله مسؤل است. اگر مطلبی را منتشر کرد که بیش از اندازه سست و نادرست، یا دارای ضعف‌های نگارشی بود، خوانندگان چنین مقاله‌ای عموماً نخست‌گریبان مجله را خواهند گرفت که چرا چنین نوشته معیوبی را نشر کرده است. وظیفه تحریریه مجله است که ایرادهای هر مقاله را به حد اقل برساند و بقیه اشکالات محتمل را بگذارد برای خوانندگان تیزبین و کمال‌گرا که درباره آن نقد و نظر بنویسند. یکی از مسؤلیت‌های مجلات جدی و آکادمیک ارائه مقالاتی است که هم از نظر علمی، هم به

لحاظ نگارش و پاکیزگی، زبان الگوی دیگران باشد؛ مخصوصاً در روزگار معاصر که نگارش فارسی راه انحطاط پیش گرفته، و فن‌آوری رایانه‌ها، به کمک صدها سایت و منابع مشکوکِ دنیای مجازی، راه هر جعل و انتحال را به روی همگان گشوده است. لذا، این‌که بعضی از دوستان ایراد کرده‌اند که تحریریهٔ مجله نباید زبان متن مقاله را از آنچه هست بهتر نشان دهد، جای حرف زیاد دارد، ضمن این‌که با دیگر پیشنهادهای ایشان در تناقض است. وقتی به ویراستار حق می‌دهند که در مقالات آنها اصلاح «معنایی» انجام دهد، به او اجازه داده‌اند که از حدّ اشکالات «زبانی» فراتر رود و معانی نادرست یا مبهم را هم به اصلاح آورد.

یکی دو تن از یاران مجله حتی تلاش تحریریه را برای ارتقاء کیفی مقاله‌ها ناسزاوار و حتی «تقلّب» شمرده‌اند؛ احتمالاً مُرادشان «تدلیس» است. قیاس مع الفارق است، ولی شاید این عزیزان و ویراستار را همچون مشاطه‌گری می‌بینند که عروس را زیباتر از آنچه هست تحویل داماد می‌دهد (پاره‌ای اوقات هم، زشت‌تر!). قضیه غیر از این حرف‌هاست؛ صفحات مجله بازار روز یا نمایشگاه نیست که هر کس برای خود غرفهٔ مستقّلی داشته باشد و از مرغوب و نامرغوب در آن بچیند. هدف غایی این است که نویسندگان مقالات و تحریریهٔ مجله دست به دست هم بدهند و شایسته‌ترین دست‌پخت مشترک خود را به اهل دانش و فرهنگ عرضه کنند. من و تویی در کار نیست.

به‌علاوه، کسی که ویراستار (شاید هم صاحب مقاله) را به «تقلّب» متهم می‌کند، چه‌بسا که، به قول امروزی‌ها، توپ را در میدان حریف می‌اندازد. این شگردی دفاعی به منظور پوشاندن ضعف و نقص خود، و مصداقی از نعل وارونه زدن است. چنین عزیزی، از این‌که کسی ضعف او را باز نماید، هراس دارد؛ و الاّ چطور ممکن است فردی به‌قدری بی‌عیب باشد که ذره‌ای به اصلاح و تذکر محتاج نباشد؟ این احساس بی‌نیازی کاذب به جایی می‌رسد که کسی را که می‌خواهد نوشته‌اش را اصلاح کند، متقلّب می‌خواند؛ یا احتمالاً مؤلفی که مقاله‌اش را برای رفع نقص و ارتقاء کیفی به دست دیگری بسپارد، به تقلب منسوب می‌کند. معنای این دیدگاه این است که هیچ بنیاد انتشاراتی و هیچ نشریه‌ای نباید تحریریه داشته باشد، مبادا مرتکب تقلب شود. لابد دستمزدی هم که ویراستاران می‌گیرند پاداش تقلبی است که به ازای قوی‌تر نشان دادن نویسندهٔ کتاب یا مقاله‌ای کرده‌اند.

طبق این استدلال، حتماً کار رهبران ارکسترها و کارگردانان سینما و تئاتر نیز تقلب به حساب می‌آید، زیرا آنها هم تلاش می‌کنند عملکرد اعضای ارکستر و بازیگران را بهتر و قوی‌تر از آن عرضه کنند که ممکن بود آنها بدون هدایت، و «سر خود» عرضه می‌کردند. از اینها گذشته، بهترین نوازندگان و تواناترین هنرمندان سینما و تئاتر، که تردیدی در کمال هنری آنها نیست، هم قبل و هم حین اجرای برنامه، پذیرای اشارات رهبر یا کارگردان‌اند، با این‌که خود حتی می‌توانند در جایگاه آنها قرار گیرند.

از اینها گذشته، چه عیبی دارد اگر نویسنده - با مختصر همکاری و اهتمام تحریریه مجله - قوی‌تر از آنچه واقعاً هست، بنماید؟ آیا این کار سبب تشویق او نمی‌شود؟ این قوی‌ترنمایی تفاوت دارد با بزرگ‌نمایی‌های مبالغه‌آمیز و پرتکلفی که هر روز و هر هفته در مراسم بزرگداشت این و آن صورت می‌گیرد، یا پس از درگذشت بعضی‌ها در ستایش آنها گفته و نوشته می‌شود. تلاش تحریریه رفتن به سوی کمال نسبی است که نتیجه‌اش باید عاید خوانندگانی شود که لزوماً نه عضو تحریریه‌اند نه در زمره نویسندگان مقاله. گذشته از اینها، مگر بناست نویسنده همیشه در یک پایه بماند؟ اگر شخص از خود همتی نشان داد و خواهان پیشرفت بود، آیا نباید مقداری هم دست او را گرفت و دلگرمش کرد؟ انسانی که می‌پذیرد جایز الخطاست و همیشه خود را نیازمند اصلاح و تصحیح می‌داند، از اصلاح و تصحیح نه می‌رنجد و نه می‌هراسد. به دانسته‌ها و توانایی‌های محدود خود قانع نمی‌شود و مصداق «الانسان عدو لِمَا یجهل» نمی‌ماند.

مطلب آخر این‌که تحریریه آینه میراث، مانند عموم نشریات اصول‌مند و مسؤل، به مرور زمان ذخیره‌ای از تجارب علمی و ظرایف و دقایق نگارشی فراهم آورده که راهنمای کلی ویراستاران در ارزیابی و تصحیح مقالات است. منبع مقداری از این تجارب، گوشزدهای داوران مقالات و شماری از خوانندگان موشکاف و دقیق‌النظر (از جمله بعضی از همکاران مقاله‌نویس مجرب مجله) است. این تجارب یک‌شبه به دست نیامده که بتوان آنها را یک‌شبه و به میل نویسنده هر مقاله تغییر داد یا نادیده گرفت: «هزار نکته باریک‌تر ز مو اینجاست». البته، دایره ملاک و معیارهایی که بر پایه این تجارب به دست آمده حریمی چنان گسترده دارد که اکثر مقالات رسیده به راحتی در آن جای می‌گیرد. معذک، مشکلات معدودی از مقالات حتی با آن متر و معیارهای کلی هم‌ساز نیست. کدام تحریریه‌ای است

که بخواهد خود را بی‌سبب درگیر مقالات پُرمسئله کند و وقت و نیروی خود را هدر دهد؟ مطلوب ویراستاران همواره این است که مقالات بدون مسئله یا کم‌مسئله دریافت کنند. ویراستاری که بعضی از همکاران از او گله دارند، همان ویراستاری است که به ترکیب بیشتر مقالات تقریباً هیچ دست نزده است. پس، لابد اشکالی و علتی در کار است. بنابراین، دوستان گله‌مند آینه میراث مطمئن باشند که سیاست تحریریۀ این مجله اعمال حدّ اقل ممکن کاست و افزود در مقالات آنهاست؛ یقین بدانند که اصلاحاتی که در پاره‌ای از نوشته‌های آنها می‌شود اجتناب‌ناپذیر، و به اقتضای ضوابط و معیارهایی است که از رعایت آنها در بالا بردن درجه دقت محتوایی و کیفیت نگارش مقالات گزیری نیست، ولو این‌که تحریریه یا صاحبان مقالات اصلاح‌شده به «تقلب» منسوب شوند.

م. ک.



